

## مقایسه استانداردهای مربوط به زندگی مشترک، اسناد ارتباطی و رضایت زناشویی در افراد ساکن تهران در طول سه نسل اخیر

### Comparing Relationship Standards, Attributions and Marital Satisfaction Across Three Recent Generations in Tehran

*S. Malek Asgar*

*F. Motabi, Ph.D.*

*M. A. Mazaheri, Ph.D.*

✉ سعاده ملک‌عسگر

کارشناس ارشد خانواده‌درمانی

دکتر فرشته موتابی

دکتری روان‌شناسی بالینی، استادیار دانشگاه شهید بهشتی

دکتر محمدعلی مظاهری

دکتری روان‌شناسی بالینی، استادیار دانشگاه شهید بهشتی

دریافت مقاله: ۸۹/۸/۸

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۲/۸/۲۰

پذیرش مقاله: ۹۲/۱۰/۳۰

#### Abstract

Relationship standards and attributions could be considered as significant cognitive variables that have received significant attention theoretically, empirically, and clinically. Relationship standards contain family member's beliefs about their close relations in particular and other relations in general.

✉ Corresponding author: Shahid Beheshti University, Evin, Tehran, I.R. Iran.  
Email: [saade.malekasgar@gmail.com](mailto:saade.malekasgar@gmail.com)

#### چکیده

ساختارهای شناختی نقش تعیین‌کننده‌ای در میزان رضایت زوج دارند. این شناخت‌ها تحت تأثیر محیط ابتدایی زندگی ایجاد می‌شوند و به روابط افراد در بزرگسالی شکل می‌دهند. هدف پژوهش حاضر مطالعه بخشی از این شناخت‌ها، یعنی استانداردها و اسناد ارتباطی و در عین حال، مقایسه میزان رضایت زناشویی افراد در سه نسل اخیر جامعه در حال تحول ایرانی است.

✉ نویسنده مسئول: تهران، دانشگاه شهید بهشتی، کلینیک خانواده و کودک  
پست الکترونیکی: [saade.malekasgar@gmail.com](mailto:saade.malekasgar@gmail.com)

Attributions are inferences generated by individuals to explain the causes of behaviors and events in their relations. In this study the changes in these cognitive variables and marital satisfaction were analyzed in three recent generations in Tehran. The sample of the study includes 180 females over 18 years old who live in Tehran. Specific Relationship Standards Questionnaire, Relationship Attribution Measure, and Enrich Scale for Marital Satisfaction were used for data gathering. The results indicated that second and third generation have higher standards. But there were no significant differences in their attributions. The marital satisfaction was significantly meaningful in third generation. This study well explains these changes in terms of cultural transition that has been experienced by Iranian society in recent decades.

**Keywords:** Relationship Standards, Attributions, Marital Satisfaction, Tree Generation.

این پژوهش یک طرح پیمایشی است. جامعه آماری شامل کلیه افراد بالای ۱۸ سال ساکن شهر تهران است. با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، ۱۸۰ نفر برای مطالعه انتخاب شدند.

ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش پرسش‌نامه استانداردهای اختصاصی رابطه، پرسش‌نامه اسناد ارتباطی و پرسش‌نامه رضایت زناشویی انریچ می‌باشد.

بررسی‌ها نشان داد که استانداردهای رابطه در گروه زنان دچار تغییر شده‌اند. در میزان اسناد افراد در سه نسل اخیر تفاوتی دیده نشد. میزان رضایت زناشویی افراد در نسل سوم به شکل معناداری کمتر از دو نسل قبل است. در مجموع نتایج به دست آمده، از تغییر در بایدهای نسل میانی زنان و ثبات اسناد طی سه نسل حکایت می‌کند. این تغییر با توجه به تغییرات فرهنگی، اجتماعی و حتی خانوادگی که در سال‌های کودکی زنان نسل میانی بروز پیدا کرده است، به عنوان ریشه‌های شکل‌گیری استانداردها قابل تفسیر می‌باشد.

**کلیدواژه‌ها:** استانداردهای مربوط به زندگی مشترک، اسناد ارتباطی، رضایت زناشویی، سه نسل.

## بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های سازگاری به والدین بر کاهش مشکلات رفتاری کودکان

### The Effectiveness of Parents' Skills Training Program on Reducing Children's Behavior Problems

M. Nematollahi, M. A.

S. Tahmasebi, Ph.D.

مریم نعمت‌اللهی

کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

دکتر سیامک طهماسبی

استاد دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

دریافت مقاله: ۹۱/۸/۲۷

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۲/۱۱/۶

پذیرش مقاله: ۹۳/۱/۲۰

#### Abstract

**Objectives:** The aim of this research was to evaluate the effectiveness of parents' skill training program on reducing children's behavioral problems. **Method:** In an experimental study (pre-post-test), 4 primary schools were randomly selected from schools of Tehran. Two schools were randomly allocated into experimental group and two into control group. Experimental group (mothers of children aged 7-9 years).

Corresponding author: Preschhol Center, University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences, Koodakyar Street, Daneshju Blvd., Tehran, Iran.

Email: [Maryam\\_nematollahi@yahoo.com](mailto:Maryam_nematollahi@yahoo.com)

#### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های سازگاری به والدین بر کاهش مشکلات رفتاری کودکان ۷-۹ ساله در نمونه غیربالیینی انجام شد. برای دستیابی به این هدف از یک طرح پژوهشی از نوع آزمایشی بر اساس طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل استفاده شد. به این ترتیب که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای ۴ مدرسه از بین مدارس دولتی شهر تهران انتخاب و به طور تصادفی در دو گروه آزمایشی و کنترل قرار گرفتند.

نویسنده مسئول: تهران، بولوار دانشجو، خیابان کودکیار، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، مرکز آموزش پیش‌دبستانی  
پست الکترونیکی: [Maryam\\_nematollahi@yahoo.com](mailto:Maryam_nematollahi@yahoo.com)

received parents' skill training program for 8 weeks, two hours sessions. Parents' reports participating in the training program (n=30 mothers) were compared with parents' reports of non-trained control group (n=31 mothers). Data were gathered using Child Behavior Checklist (CBCL) and analyzed using covariance analyses. Results: There was a significant difference between the experimental and control group after the training. The experimental group reported a significant decrease in children's behavioral problems.

**Keywords:** Parents' Skill Training, Children's Behavioral Problems, Primary School.

به این صورت که در نهایت ۳۰ نفر از مادران کودکان ۷-۹ ساله در قالب گروه آزمایشی، به مدت ۸ هفته، هر هفته یک جلسه به مدت دو ساعت برنامه آموزش مهارت‌های سازگاری را دریافت کردند. گروه کنترل نیز در نهایت ۳۱ نفر شدند. ابزار اندازه‌گیری پژوهش، آزمون فهرست رفتاری کودک (CBCL) بود. نتایج بررسی داده‌های کمی پژوهش با استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس بیانگر آن بود که گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل کاهش معناداری در میزان مشکلات رفتاری کودکان ( $p < 0.01$ ) نشان دادند.

**کلیدواژه‌ها:** آموزش مهارت‌های سازگاری به والدین، مشکلات رفتاری، دانش‌آموزان دوره ابتدایی.

# تأثیر سطوح خشم و شیوه‌های فرزندپروری مادران کودکان دچار ناتوانی‌های یادگیری و عادی بر خودپنداره فرزندانشان

## The Impact Anger Level and Childrearing Styles of Mothers on Self-Concept of Their Children With or Without LD

*E. Danesh, Ph.D.*

دکتر عصمت دانش

دانشیار گروه روان‌شناسی بالینی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

*M. Manavi Shad, Ph.D. Student*

مرجان معنوی‌شاد ✉

دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان شرقی

*K. , Ph.D.*

دکتر کتابون خوشابی

*Khoushabi*

روانپزشک کودک و نوجوان

*M. R. Hasanzadeh Tavakoli, Ph.D.*

دکتر محمدرضا حسن‌زاده‌توکلی

دکترای روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شهید بهشتی، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و حدیث

دریافت مقاله: ۹۲/۱۰/۸

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۲/۱۱/۵

پذیرش مقاله: ۹۳/۱/۲۰

### Abstract

**Aim:** The purpose of current research was to examine the impact of anger level of mothers who have children with or without LD on the self-concept of children.

**Method:** The method of the study was comparative and correlational. Statistical population included all mothers of children with LD that were clients of LD centers and the mothers of children without LD recruited from the same location.

### چکیده

هدف از پژوهش حاضر تعیین تأثیر سطوح خشم و شیوه‌های فرزندپروری مادران کودکان دچار ناتوانی‌های یادگیری و عادی بر خودپنداره فرزندانشان بود. طرح این پژوهش از نوع علی-مقایسه‌ای بوده است. جامعه آماری این پژوهش تمامی مادران کودکان دارای ناتوانی‌های یادگیری بین سنین ۸ تا ۱۲ سال که به مراکز مورد نظر مراجعه کرده‌اند و جامعه کودکان عادی، کودکان مدارس همان مناطق بود.

✉Corresponding author: Azarbaijan Shahid Madani University, Kilometer 35, Tabriz/ Azarshahr Ro-ad, Tabriz, Iran.

Email: [Marjan\\_manavy@yahoo.com](mailto:Marjan_manavy@yahoo.com)

✉نویسنده مسئول: تبریز، ۳۵ کیلومتری جاده تبریز- آذرشهر، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

پست الکترونیکی: [Marjan\\_manavy@yahoo.com](mailto:Marjan_manavy@yahoo.com)

In total, 82 children were selected in two sample groups ranging 8-12 years of age with and without LD. Then, questionnaires of The State - Trait Anger Expression Inventory (STAXI-2) and Baumrind Children's Self-concept Scale by Ahluwalia (1961) were filled. The data were analyzed by MANOVA and regression method.

**Results:** LD was not found as moderator variable in relation between anger and childrearing. Differences found between mother's children with and without LD in feeling angry, angry reaction, expression-out, anger expression - in, anger control - out, anger control - in, anger impact of behavior self-concept, educational self-concept and happy. There was a difference between children with and without LD in self-concept as well.

**Conclusion:** Family as the most important agency that shapes child's past demand more basic research on child-rearing styles of children with LD. It is essential to expand our research based knowledge about them. This study suggests differences between parenting styles of mothers with or without LD children that may have clinical implications for professionals involved in treatment of these children and their mothers.

**Keywords:** Anger, Childrearing, Learning Disabilities, Self-Concept.

به این منظور ۸۲ نفر از دانش‌آموزان بین سنین ۸ تا ۱۲ سال که به مراکز مورد نظر مراجعه کرده بودند، به‌عنوان گروه نمونه کودکان دچار ناتوانی‌های یادگیری انتخاب شدند. پس از تکمیل پرسش‌نامه‌های شیوه‌های فرزندپروری بامریند، ۱۹۹۱، خودپنداره کودکان آهلوالیا، ۱۹۶۱ و خشم اسپیلبرگر، ۱۹۹۹، توسط کودکان و مادرانشان، گروه کودکان عادی و مادران، پرسش‌نامه‌های مشابه را کامل کردند. داده‌های بدست‌آمده از طریق آزمون‌های آماری تحلیل واریانس چندمتغیری و رگرسیون مورد بررسی قرار گرفتند.

مادران کودکان دچار ناتوانی‌های یادگیری در مؤلفه‌های احساس خشم، واکنش خشمناک، برون‌ریزی خشم، درون‌ریزی خشم، کنترل برون‌ریزی خشم و کنترل درون‌ریزی خشم با مادران کودکان عادی تفاوت معناداری دارند. خشم مادران در رابطه میان ناتوانی یادگیری و شیوه‌های فرزندپروری نقش تعدیل‌کننده ندارد.

خشم می‌تواند مؤلفه‌های خودپنداره رفتاری، خودپنداره تحصیلی و شادی را توجیه کند. مؤلفه‌های خودپنداره کودکان دچار ناتوانی‌های یادگیری و عادی تفاوت معناداری دارند.

خانواده به‌عنوان مهم‌ترین شکل دهنده پیشینه هر کودک می‌تواند جزء اساسی‌ترین موارد پژوهشی باشد و با توجه به مجهولاتی که در زمینه تأثیر شرایط مادران کودکان دچار ناتوانی‌های یادگیری وجود دارد، ضروری به نظر می‌رسد تا اطلاعاتی در این زمینه جمع‌آوری شود. در طی درمان برای درمانگران سوالاتی در زمینه مادران کودکان دچار ناتوانی‌های یادگیری و چگونگی تأثیر آن‌ها بر روند درمانی فرزندانشان ایجاد می‌شود که پژوهش حاضر می‌تواند پاسخ‌گوی آن‌ها باشد.

**کلیدواژه‌ها:** سطوح خشم، شیوه‌های فرزندپروری، خودپنداره، ناتوانی‌های یادگیری.

# اثربخشی مشاوره گروهی مبتنی بر نظریه نقش در بهبود عملکرد خانواده‌های دارای کودک دیرآموز

## The Effectiveness of Role Theory Based Group Counseling on Family Function of Families With Slow-Learning Children

*F. Hole Kian, MSc*

*M. Gholamali Lavasani, Ph.D.*

✉ فرناز حوله‌کیان

کارشناس ارشد مشاوره خانواده دانشگاه تهران

دکتر مسعود غلامعلی لواسانی

دکتری روان‌شناسی، دانشیار دانشگاه تهران

دریافت مقاله: ۹۱/۵/۱۶

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۲/۱۱/۱۲

پذیرش مقاله: ۹۳/۳/۲۴

### Abstract

The purpose of this study was to examine the effectiveness of group counseling based on the role theory on function of families with slow-learning children. The present study is a Quasi - experimental research with pre-test and post - test, and with experimental and control groups.

Statistical population includes all mothers of slow - learning children in the city of Hamadan. A sample of 30 subjects selected through available sampling method from high schools with equal numbers of both genders.

Based on cloning features were allocated in experimental and control groups.

### چکیده

هدف پژوهش حاضر، تعیین اثربخشی مشاوره گروهی مادران مبتنی بر نظریه نقش بر عملکرد خانواده‌های کودکان دیرآموز می‌باشد. پژوهش حاضر، مطالعه‌ای نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون و همراه با گروه کنترل و آزمایش می‌باشد.

جامعه آماری پژوهش، شامل همه مادران کودکان دیرآموز در شهرستان همدان بودند که با روش نمونه‌گیری در دسترس ۳۰ مادر از مدارس پسرانه و دخترانه به صورت مساوی انتخاب شدند و پس از هم‌تاسازی در دو گروه آزمایش و گواه قرار گرفتند. گروه آزمایش ۱۰ جلسه مشاوره گروهی دریافت و گروه گواه در لیست انتظار قرار گرفتند.

✉ Corresponding author: Faculty of Psychology and Education, University of Tehran.

Email: [holekian@gmail.com](mailto:holekian@gmail.com)

✉ نویسنده مسئول: دانشگاه تهران، دانشکده روان‌شناسی و علوم

تربیتی

پست الکترونیکی: [holekian@gmail.com](mailto:holekian@gmail.com)

The experimental group received 10 group counseling and control group was placed in the waiting list. Data collection instrument is family function questionnaire. Descriptive statistics, covariance analysis and t-test were applied to analyze data. It was found that there is a significant difference between post-test of experimental and control group ( $p < 0/001$ ). t-test showed significant difference in effectiveness of role theory group counseling for mothers with slow-learning girl and boy ( $p < 0/001$ ). So we can conclude that group counseling based on the role theory is effective on improving the function of families with slow-learning children. In addition, this effectiveness is different for families of slow-learning children based on the gender of child.

**Keywords:** Group Counseling, Role-theory, Family Function, Slow-Learning Children.

ابزار پژوهش، پرسش‌نامه عملکرد خانواده بود. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها، علاوه بر آمار توصیفی، از تحلیل کوواریانس و آزمون t هم‌بسته استفاده شد. در تحلیل یافته‌ها مشخص شد که بین نمره‌های پس‌آزمون گروه آزمایش و گواه تفاوت معناداری وجود دارد ( $p < 0/001$ ). آزمون t هم‌بسته نیز تفاوت معناداری را در اثربخشی مشاوره گروهی مبتنی بر نظریه نقش بر گروه مادران دارای فرزند دیرآموز پسر و دختر نشان داد ( $p > 0/001$ ). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت مشاوره گروهی مبتنی بر نظریه نقش در بهبود عملکرد خانواده‌های دارای کودک دیرآموز مؤثر می‌باشد و اثربخشی این جلسات در خانواده‌های دارای فرزند دیرآموز پسر و دختر نیز متفاوت است.

**کلیدواژه‌ها:** مشاوره گروهی، نظریه نقش، عملکرد خانواده، کودکان دیرآموز.



## رفتارهای پرخطر شایع و عوامل خانوادگی مؤثر بر آن از دیدگاه نوجوانان: یک پژوهش کیفی

### Prevalent High Risk Behaviors and Important Family Factors From the Point of View of Adolescents: A Qualitative Research

*E. Atashnafas, MSN*

الهه آتش‌نفس ✉

فوق لیسانس آموزش پرستاری، دانشکده پرستاری و پیراپزشکی سمنان

*R. Ghorbani, Ph.D.*

دکتر راهب قربانی

دکترای آمار زیستی، دپارتمان پزشکی اجتماعی دانشگاه علوم پزشکی سمنان

*S. M. Tabatabaee, Ph.D.*

دکتر سیدموسی طباطبایی

دکترای روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه پیام نور سمنان

*H. Abdoos, BS*

حسین عبدوس

کارشناس مشاوره، آموزش و پرورش شهر سمنان

*S. Abbas Poor, BS*

سمیه عباس‌پور

کارشناس مشاوره، آموزش و پرورش شهر سمنان

*A. R. Mahmoudian, BS*

علیرضا محمودیان

کارشناس مشاوره، آموزش و پرورش شهر سمنان

دریافت مقاله: ۹۲/۲/۱۵

دریافت نسخه اصلاح‌شده: ۹۳/۱/۲۶

پذیرش مقاله: ۹۳/۲/۳۰

#### Abstract

**Introduction:** Fast changes at technological, cultural and social level in community could cause many physical, psychological and social problems for some adolescents.

#### چکیده

تغییرات تکنولوژیک، فرهنگی و اجتماعی پرشتاب جوامع امروز، می‌توانند سبب بروز مشکلات فراوان جسمی، روانی، اجتماعی و رفتارهای پرخطر و آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن در نوجوانان گردند.

✉Corresponding author: Department of Research and Technology Semnan University of Medical Science-Basij Boulevard-Semnan-Iran.  
Email: [eatashnafas@yahoo.com](mailto:eatashnafas@yahoo.com)

✉نویسنده مسئول: سمنان، بلوار بسیج، دانشگاه علوم پزشکی سمنان، معاونت تحقیقات و فناوری  
[eatashnafas@yahoo.com](mailto:eatashnafas@yahoo.com): پست الکترونیکی

The aim of this study was making clear the views of high school students of Semnan city on prevalent high risk behaviors and important family factors involved.

**Materials & Methods:** This study is a qualitative research with content analysis. Through a purposive sampling, 98 students (boys & girls) at 3rd grade of high schools of Semnan city was selected and participated. Setting up 8 focus group discussion with some open questions as guide line, data gathering was carried out and at the same time analysis of data was started.

Based on objectives of the study, coding of data was performed and themes were extracted.

**Results:** In the course of content analysis, 3 main and 4 subordinated themes were extracted. Main themes are: common high risk behaviors in this age group, parenthood approaches and psychological atmosphere in the family.

**Conclusions:** Comprehensive and continuous education of adolescents and parents about common high risk behaviors is associated with correct parenthood approaches, control, and providing guidance to adolescents that found useful for decreasing risky behaviors and modifying effective family factors.

**Keywords:** High Risk Behaviors, Adolescents, Family Factors, Qualitative Research.

هدف از این مطالعه تبیین دیدگاه‌های دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر سمنان در زمینه رفتارهای پرخطر شایع در این گروه سنی و عوامل خانوادگی مؤثر بر آن می‌باشد.

تحقیق حاضر یک پژوهش کیفی از نوع تحلیل محتوایی است. طی نمونه‌گیری مبتنی بر هدف، ۹۸ دانش‌آموز پسر و دختر پایه سوم دبیرستان‌های شهر سمنان انتخاب و در این مطالعه شرکت یافتند. از طریق برگزاری ۸ جلسه بحث گروهی متمرکز و طرح تعدادی سؤال باز به عنوان راهنمای بحث، جمع‌آوری اطلاعات انجام گردید. هم‌زمان با جمع‌آوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل محتوا شروع و بر اساس اهداف مطالعه، کدگذاری داده‌ها انجام و تم‌ها استخراج شد.

در نهایت ۳ تم اصلی و ۴ تم فرعی استخراج گردید. تم‌های اصلی، رایج‌ترین رفتارهای پرخطر در این گروه سنی، روش فرزندپروری والدین و فضای روانی موجود در خانواده بودند. آموزش‌های جامع و پیگیر به نوجوانان در رابطه با شایع‌ترین رفتارهای پرخطر و همچنین به والدین آنان در رابطه با روش‌های صحیح فرزندپروری و چگونگی کنترل و راهنمایی نوجوانان، می‌تواند در کاهش این معضل اجتماعی و تعدیل عوامل خانوادگی مؤثر بر آن مفید باشد.

**کلیدواژه‌ها:** رفتارهای پرخطر، نوجوانان، عوامل خانوادگی، پژوهش کیفی.

## ضمانت اجرا و اثر قرارداد در جلوگیری از ازدواج مجدد

### The Effectiveness of Contractual Freedom to the Choice of Partner

*M. Roshan, Ph.D.*

دکتر محمد روشن ✉

عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی

*H. Fadaii, M.A.*

حسن فدایی

دانشجوی دوره دکتری حقوق خصوصی دانشکده حقوق دانشگاه امام صادق (ع)

*S. M. Azin, M.A.*

سیدمحمد آذین

دانشجوی دوره دکتری حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

دریافت مقاله: ۹۰/۷/۱۰

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۲/۹/۸

پذیرش مقاله: ۹۳/۳/۱۸

#### Abstract

Family is the simplest human society. Some part of its construction is involuntary; no one chooses his/her parents. But when it is time to accompany with a partner, "the freedom to choose" plays a key role: whether to choose marriage itself or to choose a specific partner.

The authors aim to scrutinize the legitimacy of contracts regarding restriction, prohibition or compulsion of marriage.

#### چکیده

خانواده ساده‌ترین اجتماع انسانی است. بخشی از شکل‌گیری این نهاد، غیرارادی و بخش دیگر آن کاملاً ارادی و بر اساس قصد و اراده است. ازدواج در برخی موارد از قواعد عام حقوقی پیروی نمی‌کند و همین امر، مطالعه احکام و موضوعات مرتبط با آن را حائز اهمیتی ویژه ساخته است.

شناخت جایگاه آزادی قرارداد در اصل برخورداری از حق ازدواج مجدد و یا عدم آن و نیز شخصیت طرف عقد، از همین دست است. قواعد حاکم بر حقوق خانواده، نوعاً امری است و در نتیجه، اراده زن و مرد را یارای مخالفت با آن نیست.

✉Corresponding author: Family Research Institute, Shahid Beheshti University (G. C.)

Email: [m-roshan@sbu.ac.ir](mailto:m-roshan@sbu.ac.ir)

✉نویسنده مسئول: تهران، اوین، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده

خانواده

پست الکترونیکی: [m-roshan@sbu.ac.ir](mailto:m-roshan@sbu.ac.ir)

There is a famous legal maxim which states that: "In family law, the regulations are imperative and no one can compromise unlike them". This paper is to verify this general claim regarding contractual freedom in marriage.

**Keywords:** Marriage, Divest of right, Contractual Freedom, Contract.

این مقاله در پی آن است تا به اثر آزادی اراده بر ازدواج مجدد بپردازد؛ مطالعه‌ای که تاکنون جست‌و‌جسته‌گریخته انجام شده و کلی‌گویی‌ها و بعضاً تعصبات غیرحقوقی، همان اثر اندک را نیز زائل نموده است.

**کلیدواژه‌ها:** ازدواج مجدد، آزادی اراده، سلب حق و قرار داد.

# بررسی رابطه بین روابط جنسی پیش از ازدواج با نگرش به روابط فرازناشویی

## The Relationship Between Premarital Sex and Attitudes Toward Infidelity

*S. H. Alitabar, Ph.D Student*

سیده‌ادی علی‌تبار ✉

دانشجوی دکتری مشاوره دانشگاه اصفهان

*S. Ghanbari, Ph.D.*

دکتر سعید قنبری

عضو هیأت علمی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

*A. Zadeh Mohammadi, Ph.D.*

دکتر علی زاده‌محمدی

دانشیار، عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی

*M. Habibi, Ph.D.*

دکتر مجتبی حبیبی

استادیار، عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی

دریافت مقاله: ۹۲/۷/۲۱

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۲/۱۰/۳۰

پذیرش مقاله: ۹۲/۱۲/۴

### Abstract

This study compared the attitudes towards infidelity in married men with and without premarital sexual history with current wife or a person other than the current wife and the number of experienced sexual partners before marriage. This research was funded a mental in terms of objective, and descriptive-comparative in terms of data collection method.

### چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی رابطه بین نگرش به روابط فرازناشویی و تعداد شرکای جنسی در مردان متأهل با و بدون سابقه رابطه جنسی پیش از ازدواج با همسر یا فردی غیر از همسر فعلی بود. این پژوهش به لحاظ هدف از نوع بنیادی و به لحاظ نحوه جمع‌آوری اطلاعات از نوع توصیفی - مقایسه‌ای بود. از جامعه آماری مردان متأهل زیر ۴۵ سال، تعداد ۱۴۴ نفر از مردان متأهل ساکن شهر تهران به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند.

✉Corresponding Author: University of Isfahan, Faculty of psychology & Educational sciences  
Email: [hasialitabar@gmail.com](mailto:hasialitabar@gmail.com)

✉نویسنده مسئول: دانشگاه اصفهان، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی  
پست الکترونیکی: [hasialitabar@gmail.com](mailto:hasialitabar@gmail.com)

The population of this study consists of all married men less than 45 years in Tehran. A sample of 144 married men living in Tehran was selected. For collecting data, the Attitudes toward infidelity scale and for data analysis, one way ANOVA, independent sample t test & Pearson correlation were used. The findings revealed that a significant difference in attitude toward infidelity between married men with a history of premarital sexual relations with spouse or a person other than future spouse. Also, there is a significant relationship between the number of premarital sexual partner and attitudes toward infidelity.

This research confirms that married men with a history of premarital sexual relations with future spouse or other(s) have more permissive attitudes toward infidelity. Also, it was found that the more number of premarital sexual partners more tendency towards out of wedlock sexual affairs.

**Keywords:** Premarital Sex, Attitudes Toward Infidelity, Sexual Partners.

برای گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه نگرش به روابط فرازناشویی و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه، تی مستقل و همبستگی پیرسون استفاده شد.

یافته‌ها نشان داد که میزان نگرش به روابط فرازناشویی در مردان متأهل با سابقه رابطه جنسی پیش از ازدواج با همسر یا فردی غیر از همسر آینده تفاوت معناداری داشت. هم‌چنین بین تعداد شرکای جنسی پیش از ازدواج و نگرش به روابط فرازناشویی رابطه معناداری وجود داشت. این تحقیق مؤید آن است که مردان متأهل دارای سابقه رابطه جنسی پیش از ازدواج با همسر یا غیر همسر و با تعداد شرکای جنسی بیشتر، از نگرش به روابط فرازناشویی سهل‌گیرانه‌تری برخوردار بودند.

**کلیدواژه‌ها:** رابطه جنسی پیش از ازدواج، نگرش به روابط فرازناشویی، شرکای جنسی.